

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وفا به عهد با الله

مقالات



(ترجمه)

{ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ }
[بقره: 40]

ترجمه: ای بنی اسرائیل! به یاد آورید نعمتی را که بر شما ارزانی داشته‌ام (با اندیشیدن درباره آن و ادای شکر لازم)، و به پیمان من (که ایمان و کردار نیک و باور به پیامبرانی است که بعد از موسی آمده‌اند) وفا کنید تا به پیمان شما (که پاداش نیکو و بهشت برین است) وفا کنم، و تنها از من بترسید (نه از کس دیگری).

ماه رمضان؛ زمان تجدید عهد ما با الله سبحانه و تعالی است. عهد یعنی وعده قاطع همراه با سوگند (یمین)، سوگند یا یمین ارتباط مستقیم با ایمان دارد (ایمان - یمین) و دلالت بر فطرت و سرشت مسلمان می‌کند. ایمان نیز نوعی از عقده‌هاست و به معنی وعده با التزام به توحید بین بنده و خالق سبحانه و تعالی و دور افگندن وسوسه‌های شیطان و مبارزه علیه آن است. عهد با الله سبحانه و تعالی مانند هر عهد دیگری جز با اختیار و اراده آزاد صورت نمی‌گیرد و هر وعده و عهدی - فرق نمی‌کند با الله سبحانه و تعالی باشد یا با انسان‌ها - تقاضای وفا، التزام و پایبندی و صدق ظاهر و باطن را دارد. یعنی این‌که ما در عهد و پیمان خود باید مخلص، ملتزم و با وفا باشیم، چنانکه قرآن کریم التزام به عهد را از جمله مهم‌ترین ارزش‌ها در شریعت اسلام شمرده است؛ زیرا

التزام حقیقی عبارت از کلید نجات از ذلت و سبب رسیدن به کرامت و آزادی از ظلم و حتی وسیله پیشرفت و ترقی است.

وفا به عهد یا وفا به وعده همان رکن اساسی برای هر عقد است، هم‌چنان وفا به عهد یکی از قدیمی‌ترین عناصر در قانون بین الملل است که به زبان لاتینی به آن Pact Sunt Servanda یا "وَجوب حفاظت بر تعهدات" می‌گویند و معاهدات بدون این اصل قابل التزام، اجرا و تنفیذ نیست و این عنصر Pact Sunt Servanda متکی بر یک واقعیت است و آن این‌که دولت‌ها پذیرفته‌اند تا از معاهداتی‌که امضا کرده‌اند، اطاعت کنند و این مورد در رأس سلسلهٔ هرمی معیارها قرار دارد یا به عبارتی دیگر، تمام دولت‌ها در قانون کلی خود به این اتفاق دارند که معاهدات بین‌المللی به عنوان بلندترین نیروی شمرده می‌شود و بر اساس این اصل طرف‌های یک عقد ملزم به اجرای مواد عقد می‌باشند، همانطور که به اجرای احکام قانون کلی ملزم هستند.

اصطلاح "عقد" در شریعت اسلامی، بر اساس آنچه در قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم آمده است شامل: عهد بین الله سبحانه و تعالی و بندگانش، در میان خودِ بندگان، بین دولت اسلامی و رعیت آن و هم‌چنین بین دولت اسلامی و دیگر ملت‌ها و دولت‌ها می‌شود. به عنوان مثال: اصطلاح "اهل عهد" غالباً در عوض اصطلاح "اهل ذمه" به کار برده می‌شود، جهت اشاره به غیر مسلمانانی‌که تحت حاکمیت دولت اسلامی و حمایت قانونی آن زندگی می‌کنند.

الله سبحانه و تعالی در این آیت دستور داده می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ} [مائده: 1]

ترجمه: ای مؤمنان! به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید (اعم از عقدها و عهدهای مشروع انسان با انسان، یا انسان با الله).

این دستور بر تمام مؤمنان واجب می‌سازد تا نهایت تلاش کنند به این جهت که برای پروردگارشان و فرستادهٔ او محمد صلی الله علیه و سلم مخلص باشند، زیرا ولاء و دوستی با پروردگاران بدون دوستی و ولاء با رسول الله صلی الله علیه و سلم تحقق نمی‌یابد. بدان جهت که هدف رسالت رسول الله صلی الله علیه و سلم، اظهار رسالت الله سبحانه و تعالی در جهان است:

«يا عم! والله لو وضعوا الشمس في يميني، والقمر في يساري، على أن أترك هذا الأمر حتى

يظهره الله أو أهلك فيه ما تركته»

ترجمه: ای عمو جان! سوگند به الله سبحانه و تعالی که اگر آفتاب را به دست راست و مهتاب را به دست چپ من بگذارند تا من این مسیر دعوت را ترک کنم _ این مسیر را ترک نخواهم کرد - تا این که الله (سبحانه و تعالی) آن را ظاهر و غالب گرداند و یا من در این مسیر هلاک گردم.

بنابراین ولاء و دوستی با رسول الله صلی الله علیه و سلم با ولاء و دوستی با الله سبحانه و تعالی مرتبط است و الله سبحانه و تعالی عدم ولاء را به عنوان یک خیانت توصیف نموده در حالی که او سبحانه و تعالی به ما احسان نموده است. در این صورت هرگز به آنچه الله سبحانه و تعالی به ما وعده نموده است نایل نخواهیم شد، الله سبحانه و تعالی وعده نموده است که ما را به عنوان خلفاء در زمین قرار می‌دهد و ترس ما را به امن مبدل می‌نماید:

{وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ} [نور: 55]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). همچنین آئین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً (در زمین) پایرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد، (آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران، تنها) مرا می‌پرستند و چیزی را انبازم نمی‌گردانند. بعد از این (وعده راستین) کسانی که کافر شوند، آنان کاملاً بیرون شوندگان (از دایره ایمان و اسلام) بشمارند (و متمرّدان و مرتدّان حقیقی می‌باشند).

از جمله موارد مؤکد این که الله سبحانه و تعالی یهود و نصاری را لعنت نموده است، زیرا آنان در عهدهای شان با الله سبحانه و تعالی مخلص نبودند و به وعده‌های شان با الله سبحانه و تعالی وفا نکرده و آن را شکستند و یا بعضی از وعده‌های شان را به فراموشی سپردند و همان طور ادامه دادند.

از این رو تعداد افراد مخلص در جامعه هرچند زیاد باشد، باز هم آرامش را در جامعه فراگیر نساخته و هرگز امنیت، اعتماد و عزتی که الله سبحانه و تعالی وعده نموده را به ارمغان نمی‌آورد تا زمانی که مسئولین امور آن جامعه مخلص نباشند. پس زمانی که این مسئولین از وفا به عهد با الله سبحانه و تعالی دوری گزیدند و معاهدات و پیمان‌ها با کفار و نظام‌های کفری شان را برتر از

قوانین اسلام و ارزش‌های آن شمردند و روش زندگی غرب را بر شیوه زندگی مسلمانان مقدم ساختند، در این صورت عجیب نیست که الله سبحانه و تعالی دعاهای ما را اجابت نکند. شتاب کردن به سوی معاهدات بین المللی با کفار و نظام‌های سیاسی تحمیل شده بر ما، مرزهای ملی، افکار و عقایدشان دلالت بر نادیده گرفتن فضل پروردگاران بر ما می‌کند و پرده از عدم خشیت ما از الله سبحانه و تعالی بر می‌دارد. این قطعاً همان معنای سکولاریزم و دموکراسی می‌باشد و هدف نهایی‌اش تحقق آن است.

از این رو، حکامی که پیمان‌شان را با الله سبحانه و تعالی نادیده گرفته و پیمان‌ها و توافقنامه‌ها با غیر الله سبحانه و تعالی را ترجیح دادند، ابزار و اسباب ضد اسلام شدند که بر امت تساهل و رحم ندارند. از سعودی‌های مکه و بدترین حکومت در فلسطین گرفته تا حکام در پاکستان، اردن، مصر و ترکیه که تمام این حکام در سرزمین‌های اسلامی ما عدم ولاء با الله سبحانه و تعالی را به عنوان مبدأ اساسی برای خود و سیاست‌های شان انتخاب کردند. به تقسیم امت اکتفا نکردند؛ بلکه تمام ارزش‌ها و مفاهیمی که هویت امت را تشکیل می‌دهد نابود و بدنام ساختند، ارزش‌های غربی و مفاهیم کفری را جایگزین آن نمودند و حرام را به حلال و حلال را به حرام تبدیل نمودند. سرمایه‌های مادی و منابع درآمدی مان را از طریق مؤسساتی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی هدر دادند و با سیاست‌های فقر دوامداری که استعمارگران به جا گذاشته‌اند بر امت حکومت کردند. در خفا با جنگ‌های استثمار طلبانه انگلیسی-آمریکایی پیمان بستند و مسلمانان را با دست‌ان خود به قتل رساندند و به عوض پایان جنگ و اشغال به سیاست‌های پیوستند که جنگ طلبان را اکرام نموده و ملت مسلمان را محکوم به خواری نمود. در عوض آن که از مسلمانانی که به آنان پناه جسته حمایت نمایند، آنان را بر سر سفره‌های نژادپرستان و دشمنان اسلام خوار ساختند و آنان را طبق پیمان‌های ظالمانه بین المللی که امضا نموده‌اند به اتباع شان تسلیم نمودند و برای بقای مستعمرین؛ فرهنگ اسلامی مورد ضرورت نسل‌های آینده را فروختند و در اخیر ایمان و اخلاق خود را از طریق این پیمان‌های ظالمانه به هراج گذاشتند.

در کنار این، احزاب، گروه‌ها و جنبش‌های وجود دارد که به از بین بردن ظلم وعده دادند، از شعارهای قهرمانانه استفاده می‌کنند که احساسات اسلامی مسلمانان، اتکا به مبادی غیر اسلامی و پناه جستن به شیوه‌های نادرست را برانگیخته می‌سازند، بناءً این جنبش‌ها تنها وحدت امت را نابود نمی‌سازند؛ بلکه اعتماد امت به اسلام و اعتماد برخی را به برخی دیگر نیز از بین می‌برند. این جنبش‌ها تخم نا امیدي نسبت به وعده‌های الهی، ترس از مرگ و محبت دنیا را در قلب‌های مسلمانان کاشته‌اند، که منجر به تقویت نظام‌های غیر اسلامی شده تفرق، گدودی و ناتوانی در مقابل کفار را افزایش داده است.

این همان دلیل پایان نیافتن مشکلات ما است علاوه بر اینکه ما اخلاق را ارزش می‌دهیم و صداقت را بلند می‌شماریم! از این رو ما رمضان می‌آید و می‌رود و ما درد می‌کشیم و ناله سر می‌دهیم، با وجود اینکه ماه رمضان در طول قرن‌ها ماه پیروزی‌های بزرگ برای مسلمانان بوده است!

بلی؛ بدون شک رمضان ماه قرآن است، همان قرآنی که قانون مکتوب و پیمان ما با پروردگارمان می‌باشد. تلاوت قرآن به معنای یادآوری و تجدید عهد ما با الله سبحانه و تعالی است نه این که حروف و آیات آن را پیوسته و سریع بخوانیم. تلاوت قرآن یعنی راهکار هدایت به سوی نور و دور افگندن طاغوت و تاریکی‌ها. یعنی عمل و قربانی با نفس‌های ما، هرگاه که بلند نمودن قرآن و سنت جهت حاکمیت بر جهان لازم داشته باشد.

هم‌چنین یاد آور می‌شویم که فرو گذاشتن امر به معروف و نهی از منکر در مقابل این حکام به نوبه خود یک عهد شکنی دیگر است. وفا به عهد برای آن ذاتی است که ما را آفریده نه به پیمان‌های کفار فساد پیشه.

نویسنده: زهره مالک

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحرير

مترجم: احمد صادق امین